



Received:
2023-05-13
Revised:
2023-07-29
Accepted:
2023-10-15
Published:
2023-10-15

ISSN: 2538-1857
E-ISSN: 2645-5250



Explanation of defense-security trends in the South Caucasus geopolitical area (Azerbaijan, Georgia, Armenia) and Iran

Afshin Mottaghi^{1*} | Mohammad Amereh²

Abstract

The border and territorial disputes between the Caucasus countries in the last 3 decades have caused insecurity and spread it to the neighboring countries, and the conflict of interests has created a kind of three-level intra-regional, extra-regional and global competition and has caused the formation of a geopolitical crisis in the region, which has the consequences of Among them are the possibility of cutting the border between Iran and Armenia, the rise of Turkey, Russia and Israel in the Caucasus, the increase of ethnic and separatist movements in the northwest of the country, the limitation of the communication path between Iran and Europe, the removal of Iran from the European energy market and the reduction of the dependence of Armenia and Azerbaijan on Iran. had. The events of this region are of special importance due to their direct connection with the security and national interests of Iran. Especially, because of its tense nature, this crisis cannot be easily resolved and it takes time. For this reason, the South Caucasus is important for Iran as an external region close to Iran and the gateway of Iran to Europe in various ways, and it is the source of many threats and opportunities for us. In this regard, the current research tries to reread the events of the South Caucasus in 2020 through document and library data collection and with a descriptive-analytical method, and based on the available information, achieve appropriate strategies to defend the interests and national security of Iran.

Keywords: South Caucasus; Karabagh War 2020; Armenia; Republic of Azerbaijan; Zangzor Corridor.

1. Corresponding author: Member of Faculty of Political Geography, Khwarazmi University, Tehran, Iran
a.mottaghi@khu.ac.ir

2. Ph.D. student of Political Geography, Khwarazmi University, Tehran, Iran
DOR: 20.1001.1.25381857.1402.16.59.5.7





مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۳
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۰۷
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳
تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۷/۲۳شابا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰

تبیین روندهای دفاعی - امنیتی حوزه ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی (آذربایجان، گرجستان، ارمنستان) و ایران

افشین متقی^۱ | محمد آمره^۲

چکیده

مناقشات مرزی و سرزمینی میان کشورهای قفقاز در ۳ دهه اخیر سبب تولید ناامنی و انتشار آن به کشورهای همسایه بوده و تداخل منافع نوعی رقابت سه سطحی درون منطقه‌ای، برون منطقه‌ای و جهانی ایجاد کرده و سبب شکل‌گیری بحران ژئوپلیتیکی در منطقه شده است که پیامدهایی از جمله احتمال قطع مرز ایران و ارمنستان، قدرت‌گیری ترکیه، روسیه و رژیم صهیونیستی در قفقاز، افزایش تحرکات قوم‌گرایانه و تجزیه‌طلبانه در شمال غرب کشور، محدود شدن مسیر ارتباطی ایران به اروپا از مسیر شمال غرب کشور، حذف ایران از بازار انرژی اروپا و کاهش وابستگی دو جمهوری ارمنستان و آذربایجان به ایران را داشته است. از این رو رخداد های این منطقه به دلیل ارتباط مستقیم با امنیت و منافع ملی ایران اهمیت ویژه‌ای برای ما دارد. به ویژه اینکه به دلیل ماهیت تنش‌زا، این بحران به سادگی قابل حل شدن نیست و فرصت‌ها و تهدیدهای بیشماری در دل خود دارد. به این دلیل قفقاز جنوبی به عنوان منطقه خارج نزدیک ایران و دروازه ورود ایران به اروپا به شوندهای گوناگون برای ایران اهمیت دارد و منشأ تهدیدها و فرصت‌های زیادی برای ماست. در همین راستا پژوهش پیش‌رو می‌کوشد از طریق گردآوری اطلاعات و داده‌ها از راه اسنادی و کتابخانه‌ای و با روش توصیفی - تحلیلی رخداد های قفقاز جنوبی در سال ۲۰۲۰ میلادی را بازخوانی کرده و بر اساس اطلاعات موجود به استراتژی‌های مناسب برای دفاع از منافع و امنیت ملی ایران دست یابد.

کلیدواژه‌ها: قفقاز جنوبی، جنگ قره باغ ۲۰۲۰، ارمنستان، جمهوری آذربایجان، دلان زنگور.

۱. نویسنده مسئول: عضو هیئت علمی جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

a.mottaghi@khu.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران

DOR: 20.1001.1.25381857.1402.16.59.5.7



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

قفقاز جنوبی به عنوان یکی از حوزه‌های ژئوپلیتیکی و تاریخی ایران اهمیت زیادی از نظر تامین منافع و امنیت ملی یا به چالش کشیدن آن‌ها دارد. از این‌رو توجه به رخدادهای موجود می‌تواند تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان کشور را یاری کند. قفقاز جنوبی متشکل از سه کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان پس از فروپاشی شوروی درگیر چند موضوع مهم از جمله ارتباط با غرب، رهایی از تسلط روسیه، اختلافات مرزی همسایگان، تامین انرژی، روابط با همسایگان، دستیابی به دریای آزاد و رشد اقتصادی بوده‌اند و اکنون با گذشت ۳ دهه از تشکیل و تاسیس کشور و حکومت کماکان درگیر همین مشکلات هستند. به نوعی که به نظر می‌رسد این مشکلات تا حدود زیادی به جزئی از بنیادهای جغرافیایی این سه کشور تبدیل شده است و در چشم‌انداز کوتاه‌مدت قابل برطرف شدن نیست. شناخت دقیق محدودیت‌ها و فرصت‌های این منطقه موضوع مهمی است و لازم است مزیت‌ها، ضعف‌ها، اختلافات، سیاست‌های کلان و نحوه بازیگری قدرت‌های فرامنطقه‌ای به دقت مطالعه گردد. این مسئله روشن است که قفقاز جنوبی به عنوان سرزمین تاریخی با فرهنگی نزدیک در صورت سیاست‌گذاری درست می‌تواند تبدیل به محلی برای تنوع‌بخشی به صادرات، بازیگری در منطقه و افزایش وزن ژئوپلیتیک شود و یا اینکه محلی برای دریافت تهدیدهای امنیتی - اطلاعاتی و سرریز خشونت به داخل مرزهای کشور در صورت بی‌تفاوتی گردد. اتفاقات رخ داده در سال ۲۰۲۰ میلادی در قفقاز جنوبی نشان می‌دهد تغییر مناسبات قدرت در قفقاز جنوبی، از تاثیرگذاری و جایگاه ژئوپلیتیکی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی کاسته است و این امر موجب شده جمهوری اسلامی نتواند از مزیت‌ها و فرصت‌های موجود استفاده کند و تهدیدات صادر شده از این حوزه را به طور کامل خنثی کند. از این رو انفعال در این حوزه ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی، دست کشورهای دشمن و رقیب از جمله ایالات متحده آمریکا، ترکیه و اسرائیل را باز گذاشته است و تهدیدهای امنیتی از سوی این کشورها متوجه مرزهای ایران شده است. از سوی دیگر سرمایه‌گذاری در کشور آذربایجان از سوی شرکت‌های بین‌المللی و انتقال انرژی به اروپا از خاک گرجستان و ترکیه منجر به حذف ایران از معادلات انرژی و از دست رفتن بازارهای اروپایی برای انرژی ایران گردیده است.

مبانی نظری

بحران ژئوپلیتیکی

بحران پیشامدی است که به صورت ناگهانی و گاهی فزاینده رخ می‌دهد و به وضعیتی خطرناک و ناپایدار برای فرد، گروه یا جامعه می‌انجامد (عاشوری و دیگران، ۱۳۹۸: ۸۷۷). بحران‌ها سرچشمه‌ها و انواع مختلف دارند و از لحاظ کارکردی موجب خروج سامانه از حالت تعادل و بروز اختلال در وضعیت عادی و فرآیندهای فضای جغرافیایی و زیستگاه انسان‌ها می‌شوند. به این ترتیب بحران ژئوپلیتیکی عبارت از منازعه و کشمکش کشورها و گروه‌های متشکل سیاسی - فضایی و بازیگران سیاسی بر سر کنترل و تصرف یک یا چند ارزش و عامل جغرافیایی است (هاگت، ۱۳۷۵: ۳۷۲).

به این ترتیب موضوع و عامل بحران، کنترل، مداخله و تصرف یک یا چند ارزش جغرافیایی اعم از طبیعی و انسانی است (همان). و از پایداری و تداوم نسبی برخوردار است و به سادگی قابل برطرف شدن نیست. از سوی دیگر بحران‌های ژئوپلیتیکی هرچند شکل سیاسی به خود می‌گیرند ولی با نوع خاص بحران‌های سیاسی تفاوت دارند. و در نهایت در بحران‌های ژئوپلیتیکی الگوی مداخله چندسطحی شکل می‌گیرد. به عبارتی سطوح مختلفی از بازیگران در ارتباط با بحران درگیر می‌شوند (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۶-۱۳۰).

همچنین حل بحران‌های ژئوپلیتیکی نیازمند الف: وجود فضای حسن نیت و روابط دوستانه بین طرفین موضوع بحران (نظیر تعیین خطوط مرزی خشکی و دریایی (مجتهدزاده، ۱۳۷۹ (ب): ۱۷۶). ب: تقسیم پذیر بودن ارزش جغرافیایی و منفعت متعارض. ج: نامتوازن بودن مناسبات قدرت، به طوری که یک طرف منازعه از قدرت برتر برخوردار باشد (حافظ نیا، ۱۳۹۰: ۱۲۸). است.

ناحیه یا منطقه ژئوپلیتیکی

منطقه ژئوپلیتیکی عبارتست از بخشی از سطح سیاره زمین و یا مجموعه‌ای از کشورها و واحدهای سیاسی - فضایی همجوار، اعم از فضای خشکی یا آبی یا تلفیقی، که براساس ترکیب عوامل سیاسی و جغرافیایی خاص دارای تجانس و هویت مشخص و یا کارکرد مشترک بوده و از

سایر ناطق و نواحی مجاور متمایز گردد. منطقه ژئوپلیتیکی بر پایه یک منطقه یا فضای جغرافیایی متجانس از حیث ساختاری و یا کارکردی شکل می‌گیرد (همان، ۱۱۱).

محیط‌شناسی

قفقاز جنوبی

منطقه قفقاز جنوبی یکی از قدیمی‌ترین مراکز تمدن بشری است و اقوام گوناگون با زبان‌ها و ادیان مختلف در آن زندگی می‌کنند. به نوشته استرابو، در حدود دو هزار سال قبل حدود ۷۰ قبیله، در این منطقه زندگی می‌کردند. هزار سال پس از استرابو، مسعودی جغرافیدان مسلمان در مروج الذهب می‌نویسد: تعداد گروه‌های قومی در قفقاز آنقدر زیاد است که گاه مردم، زبان روستای مجاور را هم در نمی‌یابند. در حال حاضر در این منطقه حدود ۵۰ گروه قومی وجود دارد که به خانواده زبان‌های قفقازی، هند و اروپایی و آلتایی تقسیم می‌شوند. (سلیمانی و باقیان زارچی، ۱۳۸۸: ۱۲۱).

هالفورد مکیندر در محل انجمن جغرافیایی سلطنتی انگلستان در تاریخ ۲۵ ژانویه ۱۹۰۴م نظریه «محور جغرافیایی تاریخ، را مطرح کرد که بر اساس آن قفقاز در منطقه‌ای با عنوان هارتلند یا قلب زمین قرار گرفته است (Mackinder, 1904: 431). از دیدگاه وی، هر کشوری که بر این منطقه از جهان تسلط پیدا کند، به تمامی جهان تسلط یافته است. ادرست است که نظریه مکیندر به طور کامل تحقق نیافت اما اهمیت ژئوپلیتیکی توجه و حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای را به خود جلب کرد و ما در این منطقه شاهد تقابل و بعضاً تضاد منافع کشورهای مختلف جهان هستیم. افزون بر آن وجود منابع عظیم انرژی و خاویار، که در تمام نقاط جهان بی‌نظیر است، به این منطقه اهمیتی خاص بخشیده است (قادری نجف آبادی، ۱۳۸۱: ۱۰).



شکل ۱. تقسیمات سیاسی منطقه قفقاز (منبع: Armenia.org)

از منظر طبیعی نیز قفقاز منطقه‌ای کوهستانی در جنوب غربی روسیه و در همسایگی شمال غربی ایران است. این منطقه از غرب به دریای سیاه و آزوف، از شرق به دریای مازندران، از شمال به اراضی پست کوما-مانیچ و از جنوب به ایران و ترکیه محدود می‌شود (تقوی اصل، ۱۳۷۹: ۱۹). سلسله ارتفاعات قفقاز بزرگ، این منطقه را به دو نیمه جنوبی شامل آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و نیمه شمالی شامل جمهوری‌های خود مختار داغستان، چچن، اینگوش، اوستیای شمالی، کایاردا بالکار، قاراچای - چرکس و آدیگه هستند، تقسیم نموده است (افشردی، ۱۳۸۱: ۳۷). در مباحثات منطقه‌ای قفقاز شمالی حیات خلوت روسیه به شمار می‌رود. قفقاز جنوبی نیز شامل کشورهای آذربایجان، ارمنستان و گرجستان است که یکی از مناطق پرتنش جهان بوده و منطقه‌ای شکننده

محسوب می‌شود. اختلافات مرزی گرجستان و روسیه و مناقشه قره‌باغ میان آذربایجان و ارمنستان از مهمترین مناقشات چندسال اخیر بوده که توجه رسانه‌ها را به خود جلب کرده است.



شکل ۲. توپوگرافی قفقاز (منبع: NASA)

گرجستان

کشور گرجستان تنها کشور قفقاز است که مرز دریایی با دریای سیاه دارد و موقعیت ویژه ژئواستراتژیک آن عملاً قفقاز را به اروپا پیوند می‌دهد، که اهمیت این کشور را در محاسبات منطقه‌ای و جهانی نمایان می‌سازد. ساختار آن چندقومی است و اقوامی مانند آبخازها، اوستیایی‌ها، ارمنه، ترک‌ها، آجارها در آن اقامت دارند. بیشترین مشکلات ملی را بعد از فروپاشی شوروی و استقلال تجربه کرده است. سرزمین گرجستان در دوره‌هایی از تاریخ پرفراز و نشیب خود بخشی از پهنه ایران زمین شمرده می‌شده است. پیوندها و مشترکات میان ایران و گرجستان در این دوره‌ها به گونه‌ای است که می‌توان همکاری و مشارکت مستمر این اقوام را در ساخت و بنای تمدن ترکیبی بزرگی در درازنای تاریخ جستجو کرد. این مردمان سالیان سال با یکدیگر زیسته‌اند،

در شادی‌ها و اندوه‌ها، آرامش‌ها و جنگ‌ها، خوشبختی‌ها و تیره‌روزی‌های یکدیگر شریک و سهیم بوده‌اند (جدیدی و ناگلیانی، ۱۳۸۹: ۲۱).

تأثیر هم‌گرایی اسرائیل و گرجستان در کمرنگ شدن مناسبات تهران-تفلیس، رویکرد غرب محوری گرجستان، حضور فعال کشورهای غربی در این منطقه و تنش‌های مداوم واشنگتن-تهران، روابط و همکاری نزدیک تفلیس تل‌آویو، به ویژه در حوزه‌های امنیتی و نظامی و سیاست خارجی قفقازی ایران با در نظر گرفتن ملاحظات روسیه، سبب شده است مناسبات و همکاری‌های ایران و گرجستان در پایین‌ترین سطح خود باقی بماند (راه‌نجات و کبیری، ۱۳۹۷: ۱۴۱). از سوی دیگر نزدیکی گرجستان به غرب سبب شده است تهران نگاه اعتماد آمیزی به تفلیس نداشته باشد. همچنین عبور خط لوله نفت باکو - تفلیس - جیهان و خط لوله گاز قفقاز جنوبی از گرجستان سبب انزوای ایران و از دست دادن بازارهای انرژی شده است. با این وجود ایران و گرجستان در زمینه انرژی همکاری می‌کنند.

جمهوری آذربایجان

جمهوری آذربایجان بزرگترین کشور قفقاز است که در جنوب شرق اروپا و در کنار دریای مازندران است. کشورهای ایران در جنوب، ارمنستان و ترکیه در غرب، گرجستان در شمال غربی و روسیه در شمال این کشور قرار دارند. با وجود اینکه جمهوری آذربایجان دارای مرز آبی با کشورهای ایران، روسیه، ترکمنستان و قزاقستان در کناره دریای مازندران است اما کشوری خشکی بست ۱ به حساب می‌آید و به آب‌های آزاد دسترسی ندارد. جمعیت این کشور ۱۰ میلیون و ۱۳۹ هزار نفر با اکثریت مسلمان و شیعه است. از نظر تاریخی تردیدی نیست که تا اوائل قرن بیستم، نام آذربایجان، ویژه سرزمینی است که در جنوب ارس بوده و به واقع، همان است که در ایران، آذربایجان خوانده می‌شود. نیز شکی نیست که در گيرودار انقلاب کمونیستی و آشفته‌گی‌های سیاسی در آن نواحی و قیفاً از سال ۱۹۱۸ میلادی این نام به عمد و توسط اعضای حزب مساوات، به سرزمینی در شمال رود ارس اطلاق شد، که نام تاریخی آن اران و شروان بود و در متون دوره باستان و اوایل اسلامی به آلبانیا و بعدها اران خوانده می‌شد (البته هیچ ارتباطی به آلبانی اروپا ندارد). به نقل مرحوم عنایت‌الله رضا، آلبانی، به قفقاز شرقی اطلاق می‌شده و هیچگاه

۱. محصور در خشکی

آذربایجان نام آن نبوده است (رضا، ۱۳۶۰: ۳۶). جمهوری آذربایجان ادامه جغرافیایی استان‌های آذربایجان ایران است (مجتهدزاده، ۱۳۷۹ (الف): ۴۰۳)، ولی با وجود پیوندهای فرهنگی و مذهبی، روابط ایران با این کشور هیچ‌گاه مطلوب و دوستانه نبوده است. روابط سیاسی این دو کشور همواره تحت تأثیر پیوند استراتژیک جمهوری آذربایجان با ایالات متحده آمریکا، ترکیه و اسرائیل و نیز اختلاف در مورد رژیم حقوقی دریای مازندران، سرکوب شیعیان در ج. آذربایجان، مناقشات مرزی، ترویج قوم‌گرایی در ایران و ثبت میراث ناملموس ایران قرار داشته است (کولایی، ۱۳۸۹: ۸۷).

ارمنستان

جمهوری ارمنستان، کشوری محصور در خشکی در قفقاز جنوبی واقع در جنوب غربی آسیا است. این کشور از شمال با گرجستان، از شرق با آذربایجان، از جنوب با ایران و آرتساخ و از غرب با ترکیه مرز مشترک دارد. پایتخت این کشور، ایروان و زبان رسمی آن ارمنی است. ارمنستان کوچکترین کشور مستقل مشترک‌المنافع با ۲۹ هزار و ۸۰۰ کیلومتر مربع مساحت و ۳ میلیون و ۱۸ هزار و ۸۵۴ نفر جمعیت است (قیصری و گودرزی، ۱۳۸۸: ۱۲۵) که از مراکز مهم صنعتی شوروی سابق محسوب می‌شد. این کشور از زمان تاسیس پس از فروپاشی شوروی روابط خوبی با ایران برقرار کرد و اکنون میان این دو کشور در زمینه انرژی، همکاری‌های فرهنگی، حمایت از برنامه هسته‌ای ایران و ترانزیت همکاری وجود دارد.

قره باغ

پس از انقلاب اکتبر روسیه ۱۹۱۷ و با تحکیم موقعیت بلشویک‌ها در مسکو در بهار ۱۹۲۱ و تشکیل شوروی دیگر نیازی به سیاست گرامی داشت ارمنیان احساس نمی‌شد؛ بنابراین در نتیجه مذاکرات بین روس‌ها و ترک‌ها که به عقد معاهده ۱۶ مارس ۱۹۲۱ انجامید توافق شد نخبوان به صورت یک ایالت خودمختار تحت حمایت آذربایجان قرار گیرد و این حمایت نمی‌توانست به هیچ دولت دیگری غیر از آذربایجان منتقل شود (معظمی گودرزی، ۱۳۸۳، ۱۵-۱۶) پس از آن کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه هیاتی را برای حل و فصل مسائل مربوط به قره‌باغ و تهیه و تصویب نهایی معرفی کرد. در آغاز جلسات نریمانوف اصرار داشت قره باغ بخشی از آذربایجان

است؛ ولی به علت ادامه شورش زنگزور و موقعیت نه چندان مستحکم بلشویک‌ها در منطقه مصلحت را بر آن دیدند که کماکان بر تعلق قره باغ به ارمنستان تأکید شود. روز بعد دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در پی تشکیل جلسه‌ای الحاق قره‌باغ به ارمنستان تصمیم‌گیری نمود سپس این موضوع توسط کمیته مرکزی حزب کمونیست روسیه شوروی بررسی شد و در همان جلسه دفتر قفقاز واگذاری قره باغ به آذربایجان را تصویب کرد (ارفعی، ۱۳۷۱: ۳۴). زمانی که اتحاد جماهیر شوروی فروپاشید هیئت قانون‌گذاری قره باغ تصمیم به اعلام استقلال کامل گرفت. در سال ۱۹۹۲ جنگ تمام عیار میان آذربایجان و ارمنستان در گرفت. تا اواسط این سال ارمنستان بخش عمده قره باغ را تحت کنترل خود درآورد و برای ایجاد کریدور موسوم به کریدور لاجین بیشتر به سمت اراضی آذربایجان حرکت کرد. این کریدور نوار مرکزی است که قره باغ را به خود ارمنستان متصل می‌کند. تا سال ۱۹۹۳ نیروهای ارمنستان نزدیک به ۲۰ درصد از اراضی آذربایجان در اطراف قره باغ را اشغال کرده و صدها هزار آذری را بیرون رانده بودند این وضعیت تا زمان برقراری آتش‌بسی که با میانجیگری روسیه در سال ۱۹۹۴ به انجام رسید ادامه پیدا کرد (پناهی و امیری، ۱۳۹۴: ۶۱). با وجود صدور چهار قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد مبنی بر خروج نیروهای ارمنی از خاک آذربایجان، ارمنستان این کار را انجام نداد. از طرفی، ناتوانی نظامی و ناامیدی آذربایجان در بازپس‌گیری سرزمین‌های اشغالی خود از ارمنستان از کانال مذاکرات و میانجی‌گری این منطقه را به سوی رویارویی نظامی دیگری سوق داد. از طرف دیگر جمهوری آذربایجان با چرخش در سیاست خارجی خود و برقراری روابط راهبردی با غرب ترکیه و اسرائیل و با توسل به افزایش شدید درآمدهای نفتی و شکوفایی اقتصادی خود در سال‌های اخیر، ضمن مدنظر قرار دادن ضعف‌های تاکتیکی و تسلیحاتی گذشته با خریدهای گسترده نظامی و تجهیز به فناوری‌ها و ادوات پیشرفته نظامی به ویژه در حوزه‌های پهپادی و... با کمک و حمایت‌های تسلیحاتی اطلاعاتی و مستشاری ترکیه و اسرائیل آمادگی لازم را برای رویارویی جدی با ارمنستان کسب کرد و توانست به طور جدی در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ وارد نبرد با ارمنستان شود (Avdaliani, ۲۰۲۱).

یافته‌های پژوهش

حوادث مهم حوزه ژئوپلیتیکی قفقاز

همانگونه که پیش تر گفته شد منطقه قفقاز و به ویژه قفقاز جنوبی جزو مناطق شکننده محسوب می شود و دارای مشکلات بنیادین سیاسی، مرزی، قومی، اقتصادی و ژئوپلیتیکی است. این منطقه در گیر یک بحران ژئوپلیتیکی است که نمی توان انتظار داشت در آینده نزدیک روی آرامش را ببیند و به سمت صلح حرکت کند. شاید بتوان گفت جنگ قره باغ میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان و توافق نامه ناشی از آن مهمترین رخداد سال ۲۰۲۰ قفقاز جنوبی باشد اما در کنار آن اتصال خط لوله گاز جمهوری آذربایجان به اروپا برای اولین بار نیز از اهمیت بالایی برخوردار است.

مانور مشترک ج. آذربایجان و ترکیه

نیروهای مسلح ترکیه و جمهوری آذربایجان با عنوان "TurAz Kartalı 2020" در اواخر بهار ۲۰۲۰ در جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان دو تمرین مشترک نظامی انجام دادند (تی آر تی، ۱۰،۰۸،۲۰۲۰). هدف از این تمرینات نظامی افزایش سطح هماهنگی و قابلیت همکاری بین دو ارتش، انجام عملیات های رزمی مشترک و آموزش نیروهای آذربایجانی درباره نحوه استفاده از سلاح های ارتش ترکیه بود.

جنگ قره باغ

نیروهای مسلح آذربایجان و ارمنستان از ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰م جنگ شدید و تمام عیار را در حریم مرزهای امنیتی قره باغ و سرزمین های پیرامونی را شروع کردند. بر خلاف بیشتر درگیری های گذشته بر سر این منطقه درگیری های جدید متکی بر استفاده از سلاح های سنگین و پیچیده ای بود که هر دو طرف به خصوص ارتش جمهوری آذربایجان به کار گرفته اند. حضور تسلیحات و ادوات جنگی نسل، جدید سلاح های پیشرفته با سطح فناوری بالا توانایی تخریب حاصل از رویارویی های نیروهای مسلح دو کشور را به شدت افزایش داده بود. در این جنگ کشور جمهوری آذربایجان در عرض ۴۴ روز توانست قلمرو سرزمینی خود در منطقه جدا شده قره

باغ کوهستانی و هفت استان کوهپایه‌ای پیرامون قره باغ را که از زمان شکست‌های تحقیر آمیزش در اوایل دهه ۱۹۹۰ توسط ارمنه تصرف شده بود را پس بگیرد (امینی، ۱۴۰۱: ۱۶۰). نبرد منطقه قره باغ که از روز ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ میلادی آغاز شده بود سرانجام با امضای معاهده آتش‌بس میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان که با وساطت دو کشور روسیه و ترکیه انجام گرفته بود به پایان رسید (مشرق، ۹۹/۶/۲۰). کشورهای مختلف و سازمان ملل متحد این درگیری‌ها را محکوم کرده و خواستار کاهش تنش‌ها شده‌اند. در ۹ نوامبر ۲۰۲۰ ناگهان رئیس جمهور روسیه ولادیمیر پوتین نخست وزیر ارمنستان آقای نیکول پاشینیان و رئیس جمهور آذربایجان آقای الهام علیف را به میز امضای آتش‌بس کشاند و بر اساس امضای موافقتنامه‌ای مقرر شد ارمنستان باقیمانده سرزمین‌های اشغالی آذربایجان را تخلیه و وضعیت حقوقی قره باغ را در داخل آذربایجان با کمک روسیه به مذاکرات بعدی محول نماید. بر اساس این موافقتنامه روسیه با استقرار ۲۰۰۰ نفر نیروی پاسدار صلح نظامی روسی به همراه ادوات و امکانات و تجهیزات نظامی در قره باغ کوهستانی، به مدت ۵ سال نسبت به نظارت بر آتش‌بس اقدام و در صورت عدم حل منازعه هر ۵ سال نسبت به تمدید این موافقتنامه اقدام نماید (امیراحمدیان، ۱۳۹۹: ۳۵). این قرارداد صلح که ساعات اولیه ۱۰ نوامبر به امضاء طرفین رسید (RIA Novosti (in Russian) 9 November 2020)، الزام می‌داشت که ارمنستان و آذربایجان اسرای جنگی و اجساد کشته شدگان را مبادله کنند. افزون بر این، می‌بایست نیروهای مسلح ارمنستان تا ۱ دسامبر به ترتیب از شهرستان‌های کلبجر، آغ‌دام و لاجین عقب‌نشینی کنند. در توافق‌نامه همچنین اعلام شده‌است کریدوری در یک نوار سرزمین‌های کشور ارمنستان نزدیک به مرزهای ترکیه و ایران برای تردد اتباع آذربایجان به جمهوری خودمختار نخجوان ایجاد خواهد شد که نظارت و تضمین امنیت آن بر عهده نیروهای روسی خواهد بود (www.bbc.com) و (themoscowtimes.com).

توافقنامه سه جانبه روسیه، جمهوری آذربایجان و ارمنستان ۱۰ بند دارد که بر اساس آن ۱. همه عملیات‌های نظامی در قره باغ باید متوقف شود. ۲. کنترل استان آغ‌دام تا بیستم نوامبر امسال به جمهوری آذربایجان بازگردانده خواهد شد. ۳. نیروهای حافظ صلح روسیه در امتداد خط تماس در قره باغ و در امتداد دالان لاجین استقرار پیدا می‌کنند. ۴. مدت اقامت نیروهای حافظ صلح روسی پنج سال است که در صورت عدم اعتراض طرفین حضور نیروهای حافظ صلح قابل تمدید

خواهد بود. ۵. یک مرکز صلح برای نظارت بر آتش بس ایجاد خواهد شد. ۶. ارمنستان استان کلبجر را تا پانزدهم ماه نوامبر و لاجین را تا اول دسامبر ۲۰۲۰ پس می دهد. ۷. تمامی آوارگان رانده شده قره باغ و مناطق اطراف به وطن خود باز خواهند گشت. ۸. تبادل اسرای جنگی و اجساد کشته ها و قربانیان انجام خواهد گرفت. ۹. ارمنستان برای عبور و مرور شهروندان آذربایجانی و محموله های تجاری از منطقه نخجوان به جمهوری آذربایجان، گذرگاه امنی را در اختیار آذربایجان قرار می دهد و امنیت این گذرگاه را روسیه تأمین خواهد کرد. ۱۰. تردد شهروندان ارمنی و محموله ها از منطقه قره باغ به جمهوری ارمنستان از طریق گذرگاه لاجین انجام خواهد شد (Kremlin.ru, 10, November 2020) and (Kramer, 2020).



شکل ۳. نقشه مفهومی جمهوری آذربایجان و ارمنستان پس از اجرای توافقنامه (منابع: Nicolay Sidorov (CC-BY-SA-4.0))

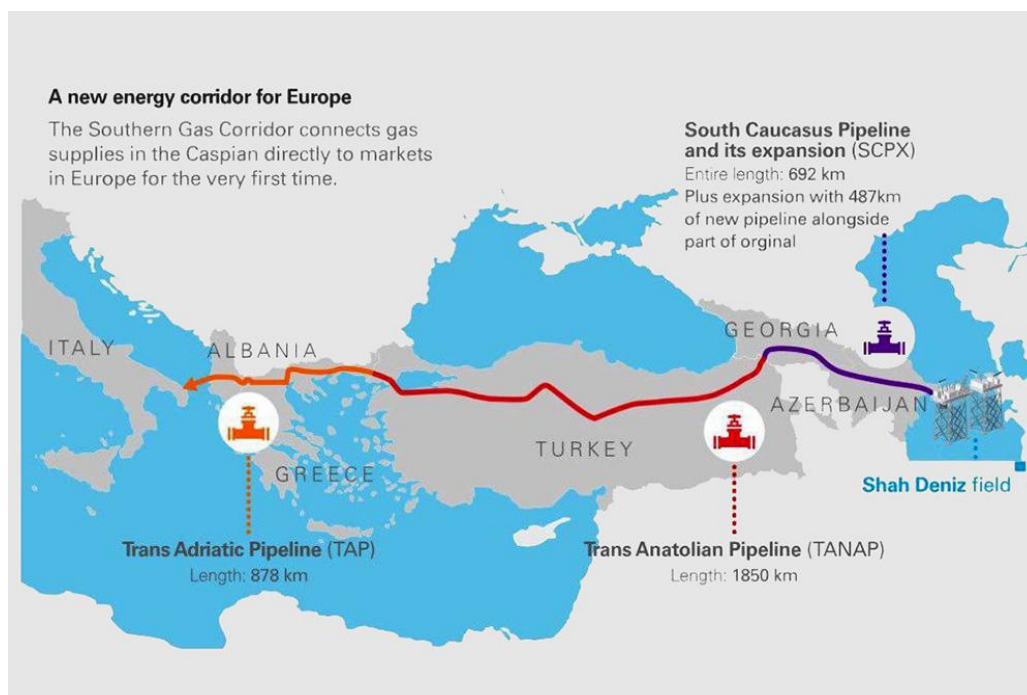
انتقال گاز جمهوری آذربایجان به اروپا

گاز طبیعی جزء مهمی از ترکیب انرژی مصرفی اتحادیه اروپا است و یک چهارم مصرف انرژی آن را تشکیل می‌دهد. اتحادیه اروپا در چارچوب برنامه اینوگیت برای توسعه راهرو گاز جنوبی و در تکمیل برنامه شبکه‌های انرژی ماورای اروپایی خود خطوط لوله و را آدریاتیک، ترکیه، یونان و ایتالیا، نابوکو و جریان سفید را در مجموع به عنوان راهروی گاز جنوبی در نظر گرفته است (کلانتری و کاویانی فر، ۱۳۹۹؛ ۶۳۵). همچنین ایالات متحده آمریکا برای ایجاد یک پلورالیسم یا تنوع ژئوپلیتیکی^۱ جهت انتقال نفت و گاز حوزه دریای مازندران تلاش می‌کند. نفت آذربایجان و بدنبال آن نفت قزاقستان را به بستر دریای مازندران از طریق گرجستان به شمال ترکیه و از آنجا به بندر سوپسای گرجستان و سپس از طریق کشتی از مسیر دریای سیاه و تنگه بسفر به اروپا برساند. از آنجا که ترکیه معتقد است از تنگه‌های بسفر و داردانل نفتکش‌های سنگین نمی‌توانند عبور کنند به جای آن پیشنهاد شد یک لوله از باکو به بندر جیهان واقع در سواحل مدیترانه‌ای ترکیه ایجاد شود (صدقی، ۱۳۸۴: ۵). این مسیر، اولین گزینه مورد نظر غرب برای انتقال نفت و گاز حوزه دریای مازندران است. آمریکا طی مانورهای خود در ارتباط با خطوط انتقال انرژی از آسیای مرکزی به اروپا، روی برگ برنده جمهوری آذربایجان حساب ویژه‌ای باز کرده تا از این طریق طرح‌های مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی را در این چارچوب با شکست مواجه سازد. به بیان دیگر واشنگتن اکنون با برگ برنده خطوط انتقال نفت و گاز که از خاک جمهوری آذربایجان عبور می‌کند به عنوان جایگزین طرح‌های مشابه روسی و نیز جلوگیری از تحقق اجرای طرح‌های انتقال انرژی این منطقه از طریق ایران استفاده می‌کند (نائیبیان، ۱۳۹۰: ۱۲۷). این طرح یک طرح سیاسی قلمداد شده است. بیل ریچاردسون، وزیر نفت دولت کلینتون اعلام داشت، «این طرح تنها یک طرح و خط لوله برای انتقال نفت و گاز نیست، بلکه یک موضوع استراتژیک است که منافع امنیت ملی آمریکا را توسعه می‌دهد» (Weski, 1999: 21). از سال ۱۹۹۱ یعنی زمانی که فعالیت‌های آمریکا برای عمل کردن نقشه کنار گذاردن ایران و روسیه از بازی نفتی در دریای مازندران و با کشف یکی از بزرگترین مخازن نفت آذربایجان در منطقه (کاشاقان - چراغ) در سال ۱۹۹۴ به اوج خود رسید. ابتدا ایران و روسیه آمادگی خود را برای انتقال این نفت از خاک خود به سوی اروپا اعلام کردند. اما کاخ سفید به دنبال بازی بدون حضور این دو بود و سرانجام نیز با رایزنی و اعمال فشار توانست شرکت‌های نفتی اروپایی

1 Geopolitical pluralism

سرمایه گذار را متقاعد کند که مسیر کنونی خط لوله قابل اجرا است. به هر حال با عملی شدن این نقشه ها در منطقه اولین کلنگ طرح در سال ۲۰۰۳ بر زمین خورد. نخستین بخش خط لوله ۱۷۶۰ کیلومتری انتقال نفت باکو - تفلیس - جیهان در خرداد ماه ۱۳۸۴ (ژوئن ۲۰۰۵) افتتاح گردید (صدقی، ۱۳۸۴: ۵). اما پروژه انتقال گاز جمهوری آذربایجان به اروپا از سال ۲۰۱۳ میلادی آغاز شد. این پروژه متشکل از کریدور جنوبی گاز از فاز دوم میدان گازی شاه دنیز در جمهوری آذربایجان آغاز شده و شامل خط لوله قفقاز جنوبی در خاک جمهوری آذربایجان و گرجستان، خط لوله تاناب در خاک ترکیه و خط لوله تاپ در خاک آلبانی، یونان و ایتالیا است. بخش اروپایی این پروژه یعنی خط لوله ترانس - آدریاتیک یا تاپ در دسامبر ۲۰۲۱ مصادف با شهریورماه ۱۳۹۹ افتتاح شد (www.tap-ag.com) و برای اولین بار گاز جمهوری آذربایجان به اروپا رسید.

طول کریدور گازی جنوب که خط لوله ترانس آتلانتیک بخشی از آن محسوب می شود ۳۵۰۰ کیلومتر است. این طرح با سرمایه گذاری ۴۰ میلیارد دلاری به اجرا در آمده است (Reuters, 2019) و سالانه ۱۶ میلیارد متر مکعب گاز به ترکیه و اروپا صادر می کند (aznews.tv).



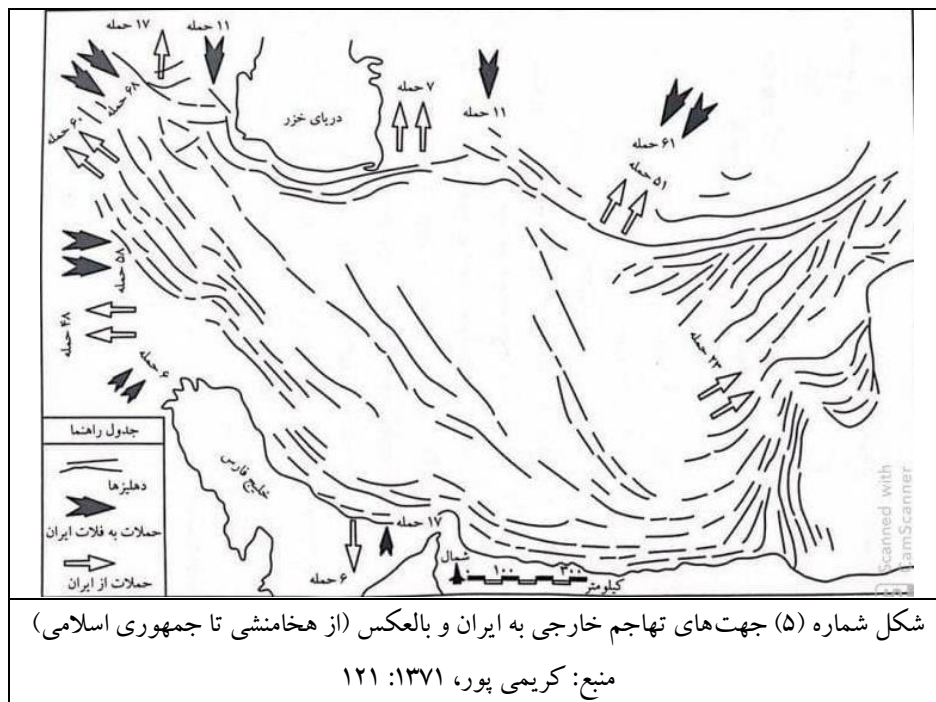
شکل ۴. پروژه خط لوله انتقال گاز جمهوری آذربایجان به اروپا (منبع: caspianbarrel.org)

روندهای دفاعی - امنیتی منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی

روندهای دفاعی - امنیتی منطقه ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی نشان می‌دهد این منطقه منبع تنش و تهدید و در عین حال فرصت برای ایران است. یافته‌های تاریخی بیانگر این مسئله است که ایران در طی ۲۵۰۰ سال، مجموعاً ۴۴۴ تجربه جنگی و به‌طور متوسط هر ۵/۵ سال یک جنگ داشته و از این تعداد جنگ، ۲۳۲ حمله از بیرون به داخل فلات ایران بوده است. از دهلیزهای شمال و شمال غرب مجموعاً ۷۹ حمله خارجی به مرزهای ما صورت گرفته که بیشترین تعداد تعرض است (کریمی‌پور، ۱۳۷۱: ۱۲۱ - به نقل از حافظ‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۲۵). این یافته‌ها گویای این نکته است که قفقاز جایگاه بسیار مهمی در امنیت ملی ایران دارد و شایسته است که جایگاهی متناسب با واقعیت موجود در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد. از سوی دیگر دست کم در ۲۰۷ سال اخیر، ایران به‌طور مرتب از سوی شمال و شمال غرب تهدید شده است و بخش زیادی از سرزمین‌های خود در قفقاز و آسیای مرکزی را از دست داده است. در این دو سده روسیه یکی از اصلی‌ترین رقبای ژئوپلیتیک ایران به‌ویژه در قفقاز بوده است. هرچند این رقابت به هیچ‌روی احساسی و به دلیل کینه تاریخی - مذهبی روس‌ها و حاکمان آن علیه مردم ایران نبوده است. بلکه ریشه و بنیاد دشمنی روسیه با ایران، برگرفته از موقعیت جغرافیایی ایران نسبت به روسیه است (کریمی‌پور، ۱۳۹۴: ۸۷). افزون بر این هم مرزی جمهوری اسلامی ایران با جمهوری‌هایی که هر یک وابستگی به قدرتی را پیشه کرده و همجواری قفقاز جنوبی و همسایگی کشورهای آن با ایران باعث می‌شود که این منطقه و کشورهای آن موقعیت مناسبی برای اقدام نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران داشته باشند. همسایگی قفقاز جنوبی با ایران و حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای مانند آمریکا، روسیه، ترکیه، اسرائیل و ناتو و نفوذ آن‌ها در این منطقه و همجوار شدنشان با ایران با توجه به تقابل منافع آن‌ها با جمهوری اسلامی ایران و رقابتی که وجود دارد، می‌تواند به منزله تهدیدی نظامی و سیاسی برای جمهوری اسلامی ایران باشد. این مهم از موضوعاتی است که مد نظر کشورهای معارض نظام جمهوری اسلامی ایران در قفقاز بوده و شواهد امر نیز دال بر این واقعیات است (جعفری ولدانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۴۱). قفقاز همچنین بدان علت برای ایران اهمیت دارد که به عنوان حائلی در مقابل روسیه عمل می‌کند. بین کشورهای این منطقه نیز ارمنستان آهسته آهسته بدل به آن چیزی شده است که کنت والتز از آن با عنوان

منطقه "حائل" برای قدرت‌های مسلط در نظام بین الملل نام می‌برد. ایران از ارمنستان به عنوان یک منطقه حائل بالقوه در مقابل به قدرت رسیدن جمهوری آذربایجان در آینده استفاده می‌کند. در طول سالیان اخیر ارمنستان در مقام متوازن کننده به نفع ایران در منطقه‌ای که قطبی شدن فزاینده و اتحادهای مخالف یکدیگر را تجربه نموده عمل کرده است (Gresh, ۲۰۰۶).

از سوی دیگر به دلیل نگاه به شرق جمهوری اسلامی ایران و نزدیکی به روسیه در برابر غرب سبب شده است یک جبهه غیررسمی میان ابران، روسیه و ارمنستان با ناتو، ترکیه و جمهوری آذربایجان تشکیل شود و این مسئله سبب شده است یک احساس نزدیکی میان روسیه و جمهوری اسلامی ایران شکل گیرد. روسیه به عنوان کشوری قدرتمند و پهناور، نفوذ قابل توجهی در مناطق مجاور ایران به ویژه آسیای مرکزی و قفقاز دارد. این مسأله می‌تواند موضع ایران را در مقابل بازیگران فرامنطقه‌ای مانند آمریکا و اسرائیل و ترکیه تقویت کند. به علاوه دست یابی به تکنولوژی نظامی روس‌ها همواره برای جمهوری اسلامی ایران حائز اهمیت بوده است. در بعد نظامی - امنیتی واقعیت‌های چون گسترش ناتو به شرق و ایجاد پایگاه‌ها نظامی در شرق اروپا، آسیای مرکزی و همچنین حضور نظامی آمریکا در خاورمیانه ظرفیت‌هایی برای همکاری دو کشور ایجاد کرده است (Shakoor, 1995: 15-21). از این رو می‌توان گفت راهبردهای دفاعی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی در درجه اول تلاش برای توازن قوا میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان و در گام بعد جلوگیری از نفوذ قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله ترکیه و اسرائیل است. همچنین همکاری با روسیه به عنوان یک قدرت منطقه‌ای در قفقاز در عین مراقبت از منافع ملی خود در برابر این کشور می‌تواند سیاست‌های امنیتی دفاعی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز را تبیین کند. روسیه می‌تواند تامین کننده نیاز جمهوری اسلامی ایران در حوزه تسلیحات باشد. کشور روسیه در توسعه مناسبات نظامی و تسلیحاتی با ج.ا.ایران نسبت به سایر کشورها فعال‌تر و پیشرو است. آمار صادرات تسلیحاتی این کشور به ایران مؤید این مسأله است. براساس داده‌های موجود در مؤسسه تحقیقات صلح بین الملل استهکلم، از ۱۹۹۱ تا ۲۰۱۵، روسیه حدود ۴ میلیارد دلار صادرات تسلیحاتی به ایران داشته است (فلاحی و رستمی، ۱۴۰۱: ۱۶۵).



فرصت‌ها و تهدیدهای حوزه ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی بر امنیت ایران

➤ تهدیدها

توافقنامه منتشر شده میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در سال ۲۰۲۰ نشان می‌دهد ایران به عنوان همسایه قفقاز جنوبی که دارای منافع غیرقابل انکار از تحولات منطقه کنار گذاشته شد. در جریان جنگ دوم قره باغ، سیاست خارجی ایران عملاً از همان موضع گیری سنتی و قبلی خود فراتر نرفت به طوری که در فرایند آتش بس این جنگ نه تنها ایران بلکه گروه مینسک نیز کنار گذاشته شدند. روس‌ها با کنار گذاشتن ایران، ترکیه و دو عضو دیگر گروه مینسک (فرانسه و آمریکا)، محوریت موافقت نامه آتش بس در قره باغ را در اختیار گرفتند. از طرف دیگر نماینده

های نیروی مسلح ایران در مرکز نظارت بر آتش بس در آعدام حضور ندارند. ترکیه با مذاکرات متعدد و فشرده با روسها بعد از توافق نامه آتش بس توانست مجوز حضور در منطقه را بگیرد (کوزه گر کالجی، ۱۳۹۹).

اجرای این توافقنامه می تواند تاثیر مستقیمی بر منافع و امنیت ملی ایران بگذارد. چراکه در صورت اجرای این توافقنامه ایران یکی از همسایگان خود را از دست داده و در شمال غربی تنها با جمهوری آذربایجان هم مرز می شود. از سوی دیگر روسیه و ترکیه در مرزهای ایران مستقر خواهند شد که به خودی خود می تواند تاثیر منفی بر امنیت ایران بگذارد. همچنین منافع اقتصادی ایران نیز به خطر خواهد افتاد چرا که ایران مسیر انتقال انرژی به اروپا از طریق ارمنستان را از دست خواهد داد و همچنین نمی تواند به ارمنستان و گرجستان گاز صادر کند. از دست رفتن مرز ایران با جمهوری خود خوانده آرتساخ نیز از دیگر معایب این توافقنامه است. همچنین نیاز جمهوری آذربایجان به جغرافیای ایران برای دسترسی به نخجوان و سوپ گاز از بین می رود و ترکیه می تواند از طریق گذرگاه نخجوان به دریای مازندران دسترسی داشته باشد و یک گام دیگر به ایده توران بزرگ نزدیک تر می شود. از این رو تغییرات ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی، از سویی کشورهای این منطقه را که در مرزهای شمالی ایران قرار گرفته اند با مسائلی روبه رو کرده است که می تواند امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تحت تاثیر قرار دهد و از سوی دیگر این منطقه را به عرصه حضور قدرت ها و رقابت های شدید منطقه ای و جهانی برای بهره برداری از عوامل ژئوپلیتیکی آن تبدیل کرده است. ضعف های ژئوپلیتیکی جمهوری های قفقاز در کنار توجه قدرت ها به این منطقه به دلیل منافع ژئوپلیتیکی آن باعث شده است که شاهد مسائلی مانند نظامی کردن منطقه قفقاز ایجاد پیمان ها و بلوک بندی های نظامی و پیرو آن حضور و دخالت بازیگران بیگانه در قفقاز باشیم (جعفری ولدانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۰).

همچنین با حضور بیشتر اسرائیل در جمهوری آذربایجان می توان انتظار داشت که تعداد کارشناسان اقتصادی - امنیتی اسرائیل در این کشور افزایش یافته و نخبگان سیاسی امنیتی واگرا با سیاست گذاری های جمهوری اسلامی ایران در آذربایجان تقویت گردند. میزان مبادلات تجاری و مالی جمهوری اسلامی ایران با کشور آذربایجان در مقابل سرمایه گذاری های اقتصادی اسرائیل کاهش و ارزش های سکولاریستی مطلوب اسرائیل و ائتلاف غرب در منطقه به زبان اسلام گرایی

مطلوب جمهوری اسلامی ایران ارتقاء یابد و با توجه به تحدید نفوذ سیاسی - امنیتی جمهوری اسلامی ایران در کشور آذربایجان بر اثر حضور اسرائیل منافع و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران بر اثر تهدیدات فزاینده به چالش کشیده شود (پناهی و امیری، ۱۳۹۴؛ ۳۰). مجموع این تحولات سبب قدرت گیری جمهوری آذربایجان می شود که منزلت جهانی و ژئوپلیتیک این کشور را بالا می برد. افزایش وزن و منزلت ژئوپلیتیک جمهوری آذربایجان به این کشور اعتماد به نفس داده و سبب افزایش تحرکات قومی در آذربایجان ایران می شود که در بلند مدت می تواند یکپارچگی سرزمینی ایران را تهدید کند. همچنین منافع ایران در دریای مازندران را به خطر می اندازد و با ایجاد فضا برای حضور اسرائیل و ناتو مقدمات به حاشیه رانده شدن ایران در قفقاز را فراهم می کند (جعفری ولدانی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۵۱). در راهبرد اتحاد پیرامونی جدید رژیم صهیونیستی با توجه به دگرگونی ژئوپلیتیک منطقه پس از جنگ سرد، آغاز فرایند صلح اعراب و رژیم صهیونیستی تداوم سیاست ضد رژیم صهیونیستی ایران و تبدیل شدن آن به مهم ترین تهدید رژیم صهیونیستی مکان جغرافیایی پیرامون از حاشیه دولتهای عربی به مناطق هم جوار ایران تغییر یافته و حضور و نفوذ در نزدیکی مرزهای ایران و محاصره آن - به جای اعراب - در دستور کار سیاست خارجی رژیم صهیونیستی قرار گرفته است (محمود اوغلی و دیگران، ۱۴۰۱: ۹۸).

افزون بر این ها از دست رفتن مرز ایران با ارمنستان به عنوان یکی از همسایگانی که از بدو تاسیس روابط خوبی با جمهوری اسلامی ایران داشته است سبب می شود یکی از گلوگاه های شکست تحریم ها از دست رفته و ایران را پیش از پیش وابسته ترکیه و جمهوری آذربایجان کند. در اصل نیاز جمهوری آذربایجان به خاک ایران برای دستیابی به نخجوان وارونه شده و پس از اجرای توافقنامه به ویژه ایجاد دالان گذرگاهی در مرز ارمنستان این بار ایران را به جمهوری آذربایجان وابسته خواهد کرد. این رخداد شانس ایران برای حضور در بازار انرژی اروپا را که می توانست امنیت ایران را به امنیت انرژی اروپا گره بزند از میان می رود.

همزمان با این تحولات خبر افتتاح خط لوله انتقال گاز «تاپ» به اروپا وضعیت ایران را به مراتب بدتر می کند. دسترسی اروپا به گاز جمهوری آذربایجان که وابستگی به انرژی روسیه را می کاهد ایران را از گردونه رقابت ها حذف می کند. پیش از این اروپا تلاش می کرد با تنش زدایی از روابط تهران با غرب به یک تفاهم سازنده برای دسترسی به منابع انرژی ایران بازار خود را تنوع

بخشد اما اکنون جمهوری آذربایجان توانسته است با دستیابی به بازار انرژی اروپا جایگزین ایران شده و تلاش‌ها برای تنش‌زدایی جمهوری اسلامی ایران با غرب را از بین ببرد. این مسئله سبب انزوای ایران شده و به نوعی بازار انرژی ایران مزیت خود برای غرب را از دست می‌دهد. افزون بر این سرمایه‌گذاری در منابع انرژی ایران کم اهمیت شده و درآمد حاصل از صادرات انرژی که یکی از منابع اصلی تامین‌کننده اقتصاد ایران است به تدریج کاهش می‌یابد. ارمنستان نیز به عنوان یکی از متحدین جمهوری اسلامی ایران که در مناقشه هسته ایران با غرب با وجود نزدیکی به اروپا در تلاش برای رفع تحریم‌های ایران بود به کشوری ضعیف و محاصره شده تبدیل می‌شود و شانس مشارکت در پروژه انتقال گاز ایران به اروپا را از دست می‌دهد.

صرف نظر از تهدیدهای نظامی و امنیتی دغدغه عمده دیگر برای ایران تلاش آمریکا برای کوتاه کردن دست ایران از قفقاز است. واشنگتن در تلاش خود برای انزواء، تضعیف و محدود کردن ایران بر آن بوده است که جمهوری اسلامی را از هرگونه منافع اقتصادی و سیاسی چشمگیر در مناطق مورد توجه ایران از جمله خاورمیانه خلیج فارس و قفقاز و آسیای مرکزی محروم کند. آمریکا به خصوص درصدد بوده است منابع درآمدی ایران را محدود کند تا مانع بازایی اقتصادی و تقویت قدرت نظامی و توان سیاسی ایران شود یا دست کم موانعی برای آن ایجاد کند (Nichol, ۲۰۱۴). در نهایت می‌توان گفت مجموعه ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی سرشار از تهدید و تنش برای ایران است که فعالیت‌های امنیتی دولت‌های رقیب در منطقه (افزایش همکاری‌های فنی و تسلیحاتی، تفاهم‌نامه‌های اقتصادی، برنامه‌های آموزشی)، ایستگاه‌های شنود و سیستم‌های اطلاعاتی، گسترش دیدگاه‌های مرکز گریز و تجزیه طلب، روی گرداندن و کاهش فاداری اقلیت‌های، قومی، مذهبی، فرقه‌ای و زبانی، توسعه خط لوله‌های بین‌المللی پیرامون کشور بدون عبور از ایران (تخلیه ژئوپلیتیکی ایران در حوزه انرژی)، آلودگی شدید حوزه آبی کورا و ارس و تهدید امنیت انسانی، غذایی و زیست بوم و سرانجام تثبیت واحدهای جنینی و مناطق خودمختار، جابه‌جایی و تبادل سرزمینی و تغییر مرزها (کلانتری و کاویانی فر، ۱۳۹۹؛ ۶۴۲). دالان زنگزور که بر اساس مفاد توافق ۱۰ ماده‌ای جمهوری آذربایجان را به منطقه بیرونگان یعنی نخجوان و ضل می‌کند، مهمترین مسئله ژئوپلیتیکی با تأثیر منفی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی است. این دالان از یک سو وابستگی ژئوپلیتیکی جمهوری آذربایجان به ایران را کاهش می‌دهد و از سوی دیگر

سبب اتصال قلمرو ژئوپلیتیکی ترکیه به قفقاز و دریای مازندران می‌شود و در نتیجه تهدیدات زمینی و دریایی گسترده‌ای را بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد. این تغییر ژئوپلیتیکی با افزایش وزن ایده توران بزرگ در بعد تحریکات قومی نیز بر امنیت ملی ایران تاثیر منفی خواهد داشت. ایجاد دالان زنگرور همچنین بر ظرفیت‌های ژئوپلیتیک انرژی ایران اثر منفی خواهد داشت و سوآپ گاز ایران به نخجوان، فروش گاز ایران به ترکیه و ارمنستان و سوآپ گاز ترکمنستان به ترکیه از مسیر ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و زمینه را برای اجرای طرح آمریکایی «ترانس خزر» و حذف دائمی ایران از بازار انرژی اروپا فراهم می‌کند.

فرصت‌ها

به طور کلی می‌توان گفت حضور در قفقاز برای ایران یک فرصت محسوب می‌شود و در حوزه‌های مختلف می‌تواند منافع ایران را تامین کند. از آنجایی که در هر تهدید فرصت‌هایی نهفته است می‌توان از تنش به وجود آمده در قفقاز برای بهره برداری استفاده کرد. بر این اساس با توجه به مسائل موجود در قفقاز جنوبی جمهوری اسلامی ایران این فرصت را دارد که از ظرفیت‌های خود استفاده کرده و به عنوان میانجی نقش آفرینی کند. همچنین جنگ نابود کننده تجهیزات و ادوات نظامی، تاسیسات صنعتی و ضربه به اقتصاد طرف‌های درگیر است. از این رو جمهوری اسلامی می‌تواند از فرصت به وجود آمده و مزیت همسایگی استفاده کند تا در بازسازی منطقه قره باغ، ارمنستان و جمهوری آذربایجان شرکت کند. مشارکت در طرح‌های اقتصادی این دو کشور در شرایط تحریم اقتصادی می‌تواند امتیاز مثبتی برای اقتصاد ایران باشد و اقتصاد این دو همسایه شمالی را به اقتصاد ایران پیوند دهد. همچنین ظاهر شدن ضعف در ارتش ارمنستان فرصتی بی نظیر در اختیار جمهوری اسلامی قرار می‌دهد تا سلاح‌های تولیدی خود را به این کشور بفروشد. پایان تحریم تسلیحاتی ایران این فرصت بی نظیر را در اختیار جمهوری اسلامی ایران قرار داده است تا بتواند از ظرفیت‌های موجود استفاده کرده و بازار تسلیحات منطقه را از آن خود کند یا حداقل در بخشی از آن مشارکت نماید. همچنین حضور فرهنگی در بازسازی مساجد و حفاظت از کلیساهای قره باغ می‌تواند تصویر مثبتی از جمهوری اسلامی ایران در اذهان مردم منطقه داشته باشد. ارمنستان در این جنگ به شدت آسیب دید و احساس تنهایی در جهان و نداشتن همپیمان

قابل اعتماد آشکار شد. از این رو جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با نزدیکی بیشتر به ارمنستان مشارکت بیشتری در توسعه اقتصادی و نظامی این کشور داشته باشد. حضور نظامی در ارمنستان برای حفظ از مرزها و حضور مستشاری در این کشور نیز فرصت کم‌نظیری است که این جنگ در اختیار ایران قرار داده است. از سوی دیگر تحریم کالاهای صادراتی ترکیه از سوی ارمنستان فرصت بی‌نظیر دیگری برای ایران است. لازم است جمهوری اسلامی ایران با شناسایی نیازهای اقتصادی ارمنستان و در جهت تقویت اقتصاد ضعیف ایران کالاهای با کیفیت ایرانی را جایگزین کالاهای ترک کند تا ضمن تسلط بر بازار ارمنستان تولید داخلی را در شرایط تحریم تقویت نماید. توسعه خطوط انتقال انرژی جمهوری آذربایجان به اروپا سبب کنار ماندن ایران از بازار انرژی اروپا شده است. بنابراین این فرصت برای ایران فراهم شده است تا خط لوله خود را از طریق خاک ارمنستان به اروپا برساند.

سناریوهای ممکن در آینده قفقاز

همانگونه که گفته شد منطقه ژئوپلیتیکی قفقاز جنوبی یک منطقه شکننده و پر مناقشه است. میراث شوروی در این منطقه سبب شده است دستیابی به صلح پایدار برای منطقه بیشتر شبیه یک رویا باشد تا واقعیت. تداخل منافع قدرت‌های بزرگ، تدوین سیاست خارجی براساس بازیگری در قفقاز جنوبی برای قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای از جمله روسیه برای انحصار در تسلط بر قفقاز و احیای موقعیت شوروی، اروپا برای دستیابی به انرژی، ایالات متحده آمریکا برای حضور در خارج نزدیک ایران و روسیه، ترکیه برای دستیابی به انرژی جمهوری آذربایجان و احیای ایده توران بزرگ، ایران برای دستیابی به بازار اروپا و احیای حق تاریخی خود از جمله علایق فرهنگی و ژئوپلیتیک، چین برای احداث پروژه جاده ابریشم جدید و اسرائیل برای حضور در مرزهای ایران دستیابی به صلح پایدار را با مشکل مواجه می‌کند. همچنین سرخوردگی ارمنستان از شکست سنگین در جنگ قره باغ شعله‌های آتش را روشن نگاه می‌دارد تا در فرصتی مناسبی و با تجدید قوا بار دیگر بتواند حیثیت ملی خود را اعاده کند. بنابراین برای پیش بینی آینده قفقاز جنوبی می‌توان چند سناریو در نظر گرفت:

ادامه درگیری‌ها

از آنجایی که توافقنامه کنونی تنها یک آتش بس محسوب می‌شود وقوع درگیری در سال‌های آینده را محتمل می‌کند. شکست در قره باغ حیثیت ملی ارمنستان را زیر سوال برد و بازگو کننده این حقیقت بود که ارمنستان نه در میان همسایگان و نه در میان قدرت‌های جهانی نتوانسته است شریک قابل اعتمادی برای خود بیابد. چرا که در این سال‌ها نتوانسته است از جغرافیای خود مزیت تولید کند و وزن ژئوپلیتیک خود را بالا ببرد. از این رو به عنوان کشوری شناخته می‌شود که کشورهای دیگر برای گذران امورات خود یا تامین منافع وابسته به آن نیستند. برخلاف ارمنستان جمهوری آذربایجان با استقبال از سرمایه گذاری کشورهای غربی و احداث خطوط لوله نفت و گاز و تامین انرژی اروپا توانسته است امنیت ملی خود را به امنیت اروپا گره بزند و متحدین استراتژیک از جمله ترکیه که عضوی از ناتوست برای خود پیدا کند. همچنین فضای جغرافیای خود را در اختیار اسرائیل و آمریکا برای اقدام علیه جمهوری اسلامی ایران قرار داده است. همه این ویژگی‌ها سبب شده است که در جنگ میان این دو کشور کوچک قفقاز جنوبی توافق بر سر پیروزی آذربایجان باشد. بنابراین به نظر می‌رسد ارمنستان با استفاده از این تجربه در سال‌های آتی به تقویت بنیه نظامی و یافتن متحدین استراتژیک در منطقه و جهان باشد. تا بتواند حیثیت ملی خود را احیا کرده و غرور ملی را به کشور خود بازگرداند.

انزوای ارمنستان

سناریوی بعدی را می‌توان تلاش جمهوری آذربایجان برای انزوای کامل ارمنستان و تضعیف این کشور دانست. جمهوری آذربایجان به این مسئله آگاه است که این زخم کهنه تا زمانی که توازن قوا در منطقه وجود داشته باشد بهبود نمی‌یابد و هر زمانی که ارمنستان احساس کند توان هم‌آوردی با همسایه خود را دارد بار دیگر آتش جنگ شعله ور می‌شود. از این رو به نظر می‌رسد جمهوری آذربایجان تلاش خواهد کرد از سویی با استفاده از حضور ترکیه در منطقه و محاصره ارمنستان از طریق همراه کردن گرجستان به دلیل وابستگی به انرژی این کشور و قطع ارتباط مرزی با ایران، ایران را تبدیل به کشوری بی‌خطر نماید تا مطیع سیاست‌های ترکیه و جمهوری

آذربایجان باشند. در این مسیر لازم است توجه روسیه نیز جلب شود که احتمال می‌رود روسیه نیز با گرفتن امتیازاتی از جمهوری آذربایجان و وابسته کردن بیشتر ارمنستان تن به این خواسته باکو بدهد.

بازیگری فعالانه جمهوری اسلامی ایران در قفقاز

گمان می‌رود جمهوری اسلامی ایران به عنوان کشور ذی‌نفع در این جنگ و یکی از قدرت‌های منطقه‌ای که اکنون از حضور اسرائیل، آمریکا، ترکیه و روسیه در مرزهای خود احساس خطر می‌کند سیاست فعالانه تری در قبال قفقاز جنوبی اتخاذ کند. این مسئله درست است که جمهوری اسلامی ایران در کنار ارمنستان جزو زیان‌دیدگان جنگ قره باغ بود اما از آنجایی که برخی از این بندهای توافقنامه تاکنون اجرا نشده است می‌تواند با اتخاذ سیاست‌های مناسب از عملیاتی شدن حداقل برخی از مفاد توافقنامه معادلات را بر هم زند و در راستای ایجاد توازن قوا در منطقه عمل کند. به این صورت می‌توان انتظار داشت که وضعیت کمی به ثبات رسیده و بخشی از نگرانی‌های ارمنستان نیز خود را برطرف شود.

بازیگری روسیه

روسیه اگر چه تعیین کننده سیاست‌های کلان در قفقاز است و به عنوان بازیگر اصلی در این منطقه شناخته می‌شود و به قولی حرف آخر را می‌زند و اگر چه از شکست خوردگان جنگ قره باغ نبود اما پیروز هم نشد و وضعیتی در میانه این طیف دارد. از این رو می‌تواند اینگونه حدس زد که روسیه یک وضعیت تعلیق برای اجرای توافقنامه در نظر داشته باشد و بار دیگر روابط سیاسی میان کشورهای قفقاز جنوبی منجمد شود که این هم به معنای آن است که بار دیگر در سال‌های آتی جنگی میان دو کشور رخ دهد. درگیری در جنگ با اوکراین نیز سبب شده است روسیه توان و تمایل چندانی برای حضور در جبهه دیگری نداشته باشد.

جنگ نیابتی جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل

باتوجه به حضور جدی و گسترده اسرائیل در قفقاز و آسیای مرکزی و سرمایه گذاری نظامی و اطلاعاتی در این منطقه به نظر می‌رسد در صورت غفلت از این مسئله و محکم شدن جای پای اسرائیل در این منطقه، قفقاز جنوبی به عرصه جنگ نیابتی جمهوری اسلامی ایران و اسرائیل تبدیل

شود. این مسئله می‌تواند به معنی جابجایی محل درگیری از مرزهای اسرائیل به مرزهای ایران باشد و ضروری است با مذاکره، تهدید یا تطمیع کشورهای منطقه را برای همکاری با اسرائیل منصرف کرد.

نتیجه‌گیری

قفقاز جنوبی به عنوان یک حوزه ژئوپلیتیکی هم‌مرز با ایران دارای مناقشات و بحران‌های ریشه‌دار به ارث مانده از دوران حکومت شوروی و بازیگری قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است که تاکنون حل نشده است و به نظر می‌رسد همچنان پایدار خواهد ماند. از این رو دارای تهدیدها و فرصت‌های بی‌شماری برای ایران است. به این دلیل تحولات این منطقه به صورت مستقیم بر امنیت و منافع ملی ایران تاثیر می‌گذارد و با وجود تداخل منافع و ساز و کارهای ایجاد شده بار دیگر می‌تواند کانون تنش و بحران باشد و این بحران را به اطراف خود سرریز کند. از این رو جمهوری اسلامی ایران نیازمند یک سیاست‌گذاری دقیق، بلندمدت و مبتنی بر منافع و امنیت ملی ایران برای نقش‌آفرینی مثبت در منطقه است چرا که در صورت انفعال ایران علاوه بر دریافت تهدیدهای امنیتی از سوی رقبای منطقه‌ای و جهانی، یکپارچگی سرزمینی ایران مورد تهدید قرار گرفته و فرصت‌های سرزمینی و ژئوپلیتیکی از دست خواهد رفت. سیاست خارجه ایران باید ضمن کاستن از تنش با غرب تمرکز بیشتر بر خارج نزدیک خود را در دستور کار خود داشته باشد تا ضمن زدودن فشار سیاسی جهانی بر اقتصاد و امنیت ایران توان مقابله با تهدیدهای برخاسته از کشورها و مناطق هم‌مرز با خود را داشته باشد. قفقاز جنوبی محل نقش‌آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای است. از این حساسیت ویژه‌ای می‌طلبد و لازم است جزو اولویت‌های اصلی سیاست خارجه تهران قرار گیرد.

پیشنهاد

همانگونه که گفته شد جمهوری اسلامی ایران با وجود توان تاثیرگذاری در این جنگ، در وهله کنار ماند و این نشان می دهد برنامه مدون، منسجم، از پیش تعیین شده و مشترکی برای حضور در قفقاز تدوین نشده است تا در وقوع چنین رخدادهایی مکانیزم های عملی به صورت خودکار فعال شده و تمام بخش های حکومت و وظایف خود را به صورت خودکار انجام دهند. این آشفتگی و اختلاف دیدگاه در حالی وجود دارد که تحولات این منطقه ارتباط مستقیم و بی واسطه ای با امنیت و منافع ملی ایران دارد. از سوی دیگر قفقاز جنوبی به عنوان منطقه ای پویا و پرمناقشه هر لحظه آستان حوادثی است که می تواند بازتاب جهانی داشته باشد و نمی شود به این منطقه بی توجه بود. ایالات متحده آمریکا با تکیه بر نظریه سد نفوذ جورج کنان تلاش کرده است کشورهای پیرامونی ایران را به هم پیمانان خود تبدیل کند و اسرائیل نیز برای افزایش فشار به جمهوری اسلامی ایران و جبران حضور جمهوری اسلامی ایران در نوار غزه، لبنان و سوریه تلاش کرده است به جمهوری آذربایجان و ترکمنستان نزدیک شود. این در صورتی است که تمرکز سیاست خارجی ایران در خاورمیانه و آمریکای جنوبی سبب فرسوده شدن توان ایران شده و اشراف اطلاعاتی یا نظر واحدی در مورد قفقاز وجود نداشته باشد. از این رو به نظر می رسد جمهوری اسلامی ایران می بایست بیشترین تمرکز خود را به خارج نزدیک خود معطوف سازد تا با مدیریت درست رخدادها از تهدیدها علیه امنیت ملی ایران بکاهد و در مقابل از فرصت های موجود برای تامین امنیت منافع ملی ایران بهره ببرد. از سوی دیگر اجبار جمهوری آذربایجان برای کاستن یا قطع ارتباط خود با اسرائیل و کاستن ارتباط با ترکیه ضروری به نظر می رسد تا جمهوری اسلامی ایران بتواند به عنوان یک قدرت منطقه ای دارای پیوندهای تاریخی عمیقی با قفقاز، برای حل بحران وارد عمل شده و راه حل ایرانی برای این مناقشه ارائه دهد. چراکه وجود مناقشه در قفقاز می تواند برای امنیت ملی ایران تهدید باشد. در صورتی که کشورهایمانند روسیه، ترکیه، اسرائیل و آمریکا از مناقشه حمایت می کنند و منافع خود را در وجود بحران جستجو می کنند.

روسیه به دنبال ایجاد یک توازن قوای مصنوعی در منطقه است و ترکیه تلاش می‌کند با ذهنیت ایدئولوژیک پان ترکیسم و ایجاد توران بزرگ به منطقه بنگرد. از سوی دیگر با ارمنستان یک جنگ قدیمی نژادی دارد و نمی‌تواند از آن چشم‌پوشی کند. این در صورتی است که ایران تجربه ایجاد همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقوام گوناگون را دارد و به صورت تاریخی این مدل موفق را تجربه کرده است. تا پیش از جدایی سرزمین‌های شمالی از ایران ورود اندیشه‌های خلقی از شوروی به منطقه اختلاف نژادی و قومی میان قفقاز جنوبی وجود نداشت و وجود کلیسا در جمهوری آذربایجان مسلمان و مسجد در ارمنستان مسیحی تاییدی بر این ادعای تاریخی است. بنابراین جمهوری اسلامی ایران می‌تواند نقش تاریخی و پدران خود را ایفا کرده و به عنوان یک میانجی صادق وارد عمل شود تا ضمن حل مناقشات مصنوعی ناشی از میراث شوروی و فعالیت ترکیه منافع همه کشورها را بر پایه اصل اقتصاد و عدالت جاری سازد.

فهرست منابع

- ارفعی، عالیہ (۱۳۷۱)، قضیه ناگورنو قره باغ، آسیای مرکزی و قفقاز، سال اول، شماره دوم.
- افشردی، محمدحسین، (۱۳۸۱)، ژئوپلیتیک قفقاز و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سپاه پاسداران انقلاب اسلامی.
- امینی، داود (۱۴۰۱)، تحلیلی بر عوامل جغرافیایی برترساز در منطقه عملیات (مطالعه موردی جنگ دوم قره باغ - ۲۷ سپتامبر تا ۱ نوامبر ۲۰۲۰م)، فصلنامه مدیریت نظامی سال بیست و دوم، شماره ۱، صص ۱۵۹ - ۱۸۹
- پناهی، علیرضا و امیری، اقبال (۱۳۹۴)، تأثیرات حضور اسرائیل در جمهوری آذربایجان بر امنیت ملی ایران، پژوهش‌های سیاسی، سال پنجم، تابستان ۱۳۹۴، شماره ۱۳، صص ۳۰ - ۶۲
- تقوی اصل، عطا، (۱۳۷۹)، ژئوپلیتیک جدید ایران: از قزاقستان تا گرجستان، تهران، وزارت امور خارجه، مرکز چاپ و انتشارات.
- رضا، عنایت الله، (۱۳۶۰)، آذربایجان و اران (آلبانیای قفقاز)، تهران، انتشارات ایران زمین.
- سلیمانی، غلامعلی و باقیان زارچی، مرتضی (۱۳۸۸)، قفقاز، موزائیک اقوال؛ علل و عوامل، موسسه مطالعات ایران و اوراسیا، سال چهارم، شماره پنجم.
- صدقی، ابولفضل (۱۳۸۴)، بررسی مسیرهای انتقال نفت و گاز حوزه دریای خزر، ماهنامه ایراس ۱۳۸۴ شماره ۵.
- راه‌نجات، میترا و کبیری حسن (۱۳۹۷)، عوامل مؤثر بر واگرایی روابط ایران و گرجستان (۲۰۰۰ - ۲۰۱۶)، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره هفتم، شماره اول، صص ۱۳۹ تا ۱۶۶.
- جدیدی، الهه و ناگلیانی، امین (۱۳۸۹)، مناسبات فرهنگی ایران و گرجستان، مجموعه چکیده مقالات سمینار بین‌المللی گرجستان؛ تجارب پیشین - چشم‌انداز فرارو، بنیاد مطالعات قفقاز.
- جعفری ولدانی، اصغر، صفوی همای، سید یحیی و حکیم، حمید، ۱۳۹۴، تغییرات ژئوپلیتیکی قفقاز و تأثیر عوامل ثابت ژئوپلیتیکی حاصل از آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، شماره ۲۸، صص ۱۳۵ - ۱۶۰
- حافظ نیا، محمدرضا (۱۳۹۰)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، تهران، انتشارات سمت.
- حافظ نیا، محمد رضا (۱۳۹۲)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران، انتشارات سمت.
- عاشوری غلامرضا، حسن آبادی داود، لطفی حیدر و عزتی عزت الله (۱۳۹۸) نقش متغیرهای جغرافیایی در بحران های ژئوپلیتیکی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی جغرافیا (برنامه ریزی منطقه‌ای)، سال نهم، شماره ۴، صص ۸۹۷ - ۸۷۵.

- فلاحی احسان و رستمی محسن (۱۴۰۱)، راهبردهای دفاعی امنیتی جمهوری اسلامی ایران با نگاه به شرق (مطالعه موردی: چین و روسیه)، نشریه علمی آفاق امنیت، سال پانزدهم، شماره ۵۴، صص ۱۳۱-۱۷۱.
- قادری نجف آبادی، علی (۱۳۸۱)، اهمیت منطقه دریای خزر، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۳۵.
- قیصری، نورا... و گودرزی مهناز (۱۳۸۸)، روابط ایران و ارمنستان: فرصت‌ها و موانع، مطالعات اوراسیای مرکزی، مرکز مطالعات عالی بین‌المللی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال دوم، شماره ۳، صفحات ۱۲۱-۱۴۴.
- کریمی پور، یدالله، خالدی، حسین (۱۳۹۴)، جغرافیا نخست در خدمت صلح (نگرشی به مناسبات ایران و همسایگان)، تهران، نشر انتخاب.
- کلانتری فتح الله و کاویانی فریمنان (۱۳۹۹)، اولویت بندی تهدیدهای جمهوری اسلامی ایران از راه قفقاز جنوبی: راهبردها و راهکارها، مطالعات اوراسیای مرکزی، دوره ۱۳، صص ۶۲۳-۶۴۴.
- کولایی، الهه (۱۳۸۹)، جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، صص ۷۵-۱۱۱.
- مجتهدزاده، پیروز ۱، (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، تهران، نشر نی.
- مجتهدزاده، پیروز ۲، (۱۳۷۹)، خلیج فارس: کشورها و مرزها، تهران، انتشارات عطایی.
- محموداوغلی رضا، ابراهیمی مرتضی، فتاحی اردکانی حسین، (۱۴۰۱)، جنگ دوم قره باغ (۲۰۲۰): علل، زمینه‌ها و پیامدها، نشریه علمی سیاست‌های دفاعی، سال سی و یکم، صص ۶۹-۱۰۳.
- معظمی گودرزی، پروین (۱۳۸۳)، مجموعه مقالات یازدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، تهران، وزارت امور خارجه.
- نائبیان، جلیل (۱۳۹۰)، نگرشی بر تحولات ژئوپلیتیک مناطق همجوار ایران (آسیای مرکزی و قفقاز)، تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال اول، شماره ۲.
- هرلس، مایکل؛ (۱۳۹۹)، هخامنشیان و قفقاز جنوبی، ترجمه خزایی، علیرضا؛ خزایی، همایون؛ جندی‌شاپور، شماره ۲۱، صص ۱۰۳ تا ۱۴۹.
- هاگت، پیتر (۱۳۷۵)، جغرافیا ترکیبی نو، ترجمه: شاهپور گودرزی نژاد، تهران، انتشارات سمت.
- برگزاری ria.ru، ۹۹/۱۰/۲۰ - ۱۶:۰۰.
- خبرگزاری www.bbc.com، ۱۹/۱۰/۲۰ - ۱۸:۳۰.
- خبرگزاری eghtesadonline.com، ۹۹/۱۰/۲۴ - ۱۱:۰۰.
- سایت internet archive.org، ۹۹/۱۰/۲۵ - ۲۱:۳۰.
- خبرگزاری euronews.com، ۹۹/۱۰/۲۵ - ۲۲:۰۰.

خبرگزاری aznews.tv، ۹۹/۱۰/۲۵ - ۲۲:۰۰

خبرگزاری رسمی ترکیه (TRT)، ۹۹/۱۰/۰۹ - ۱۴:۳۰

- Administrative map of Caucasus in USSR, 1952-1991 Source: Armenia.org
- Avdaliani, E. (2021). Iran in the South Caucasus: Adjustment and Evolution. available at: <https://rusi.org>. February 26
- Artsakh Republic 1994-2020.svg by Nicolay Sidorov (CC-BY-SA-4.0). caspiabarrel.org
- Gachechiladze, R. (2002), "Geopolitics in the South Caucasus: Local and External Players", Geopolitics, Vol.7, Issue1.
- Gresh, Geoffrey (2006), "Coddling the Caucasus: Iran's Strategic Relationship with Azerbaijan and Armenia", *Caucasian Review of International Affairs* (CRIIA), Tufts University, USA
- Kramer, Andrew E. (10 November 2020). "Facing Military Debacle, Armenia Accepts a Deal in Nagorno-Karabakh War" – via NYTimes.com.
- Mackinder, H.J. (1904). The Geographical Pirot of history. *The Geographical journal*, Vol. XXIII, NO4.
- Topographic data from the NASA Shuttle Radar Topography Mission, <https://www2.jpl.nasa.gov/srtm/>
- "The President of the unrecognized NKR agreed to end the war.". RIA Novosti (in Russian). 9 November 2020. Retrieved 9 November 2020.
- Nichol, Jim (2014), "Armenia, Azerbaijan, and Georgia: Political Developments and Implications for U.S. Interests", Congressional Research Service, CRS Report for Congress.
- "Statement by the President of the Republic of Azerbaijan, Prime Minister of the Republic of Armenia and President of the Russian Federation ". Kremlin.ru
- Weski, Ichnio (1999), "Major Caspian Sea Projects Take Big Steps to Reality", *Engineering New Record (ENR)*, Vol.243, No.22.
- Shakoor, Abdul (1995), *Central Asia: The US Interested Perception and its Security Policies*. Eurasia Studies, Vol. 2, No. 2

